

کند. برای مثال روس‌ها حاضرند برای اینکه گاز بیشتری به ما بفروشند - نه اینکه طرف قرارداد شوند- روی پروژه‌های صادراتی گازی ما سرمایه‌گذاری کنند. از جمله روی خط لوله گاز ایران به عمان که از آن طریق گاز بیشتری به ما بفروشند. روس‌ها حتی حاضرند ساخت خط لوله صادرات گاز به هند را حمایت کنند و با هندی‌ها از نظر سیاسی نیز وارد مذاکره شوند و نگرانی‌ها آنها را نسبت به اقدامات احتمالی پاکستان از نظر فنی از طریق مسیر جدید عبور خط لوله در قسمت دریایی برطرف کنند تا گاز بیشتری به ایران بفروشند. بنابراین، این وابستگی روس به ایران است که در حال وقوع است. حدود ۷۰ تا ۹۰ میلیارد متر مکعب گاز روی دست روسیه مانده و باید برای بازاریابی مجدد آن سرمایه‌گذاری کند. لذا علاوه بر صادرات گاز به ایران، الان بحث سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها از جمله تأسیسات ال‌ان‌جی نیز مطرح است.

اما در مورد پروژه صادرات گاز ایران به پاکستان از طریق خط لوله IP، در این مورد روس‌ها اصلاً نقشی ندارند. در شرایط فعلی پاکستان از نظر اقتصادی تحت فشار داخلی است که این قرارداد واردات گاز از ایران را عملی کند. چرا که راه‌های دیگر پرهزینه‌اند که برای اقتصاد انرژی پاکستان منجر به بحران شده است. همچنین پاکستان در حال سرکوب روند مصرفی خود است و زمانی بویژه در دوره کرونا که صرفه اقتصادی داشت به دنبال عرضه ال‌ان‌جی نیز رفت. سودانگاری پاکستان و غیرامنیتی فکر کردن این کشور در شرایط کرونا الان گریبانگیر آن شده است. این کشور توجه نکرد که وقتی قیمت‌ها در بازه ۲ ساله پایین می‌آید، سرمایه‌گذاری روی منابع کم می‌شود و امنیت عرضه در آینده آسیب می‌بیند و قیمت‌ها به یک باره رشد می‌کند یعنی همین بلایی که الان گرفتار شده است. الان حدود ۳ الی ۴ درخواست محموله ال‌ان‌جی آن با مشکل تأمین به دلیل قیمت بالا مواجه شده است. این کشور با کسری تراز مالی در حساب دولتی روبه‌رو است و عده‌های واردات آن دارد به سالی ۳۰ میلیارد دلار می‌رسد. پاکستان که در دوره کرونا ال‌ان‌جی را ۴ دلار در میلیون بی‌تی یو (واحد ارزش حرارتی) خریداری می‌کرد حالا باید برای هر میلیون بی‌تی یو ۳۵ دلار هزینه کند. به همین خاطر مجبور شده برخی از نیروگاه‌های خود را به سمت مصرف نفت کوره سوق دهد یا از ظرفیت پالایشگاهی خودش استفاده کند یا بخرد. البته ارزان نیست اما شرایط تأمین آن راحت‌تر از گاز است. حتی از لحاظ قیمتی باز هم گران است اما بالاخره هست زیرا ال‌ان‌جی نیست. کل جنوب آسیا به سبب تقاضای شدید اروپا با کمبود عرضه مواجه شده‌اند. حتی زیرساخت و عرضه فیزیکی ال‌ان‌جی در آمریکا هم در ماه‌های گذشته با بحران روبه‌رو شد. اتفاقی که به وخامت اوضاع این‌گونه کشورها می‌افزاید این است که اروپا در آینده عطش‌اش به ال‌ان‌جی بیشتر خواهد شد. الان برخی پایانه‌های واردات ال‌ان‌جی اروپا آماده است اما شبکه‌های داخلی به این میزان توسعه پیدا کرده است پس اگر شبکه توسعه پیدا کند این عطش بیشتر هم می‌شود. مثلاً ظرفیت پایانه‌های ال‌ان‌جی اسپانیا بین ۵۰

اگر خط لوله را ما تا مرز می‌بریم، پاکستان را مجبور می‌کردیم در شرایط تحریم ۲ کار انجام دهد، یا مانند ترکیه و عراق برود مجوز معافیت تحریمی برای واردات گاز ایران را از آمریکا بگیرد یا گاز را نگیرد و جریمه‌اش را بپردازد

تا ۶۰ میلیون تن در سال است اما هنوز شبکه اتصالی این کشور با اتحادیه تکمیل نشده است. خب وقتی این شبکه تکمیل شود، مصرف ال‌ان‌جی بالاتر می‌رود و عطش اروپا بیشتر می‌شود به همین سبب قیمت ال‌ان‌جی به این اندازه بالا رفته است. در چنین شرایطی آیا پاکستان می‌خواهد باز هم ال‌ان‌جی وارد کند؟ الان این کشور با بحران مواجه است. یکی از دلایلی که عمران خان کنار گذاشته شد، به خاطر ناتوانی در تأمین کالاهای حیاتی از جمله انرژی بود. چرا ما فکر می‌کنیم بازار پاکستان که با ایران قرارداد دارد، گاز ایران را نمی‌خواهد؟ قرارداد take or pay است. اما یک مسأله وجود دارد. ما خط لوله را تا مرز نبردیم که به پاکستان بگوییم یا بحر یا پولش را بده، قرارداد نافذی که می‌توانستیم از آن استفاده کنیم. ما از نظر حقوقی دست بالاتر را داریم اما چون الزامات را پیش نبرده‌ایم و خط لوله را تا مرز نبرده‌ایم که بگوییم یا باید بخری یا پولش را پرداخت کنی؛ این قرارداد اجرا نشده است.

یعنی تحریم‌ها در عدم اجرای این قرارداد تأثیری نداشت؟

اساساً تحریم‌ها برای این موضوع پاکستان جز توجیه برای عدم اجرای آن هیچ کارکردی نداشته است. ما چه زمانی تحریم شدیم و چه زمانی با پاکستان قرارداد منعقد کردیم؟ قرارداد اواخر سال ۲۰۱۲ منعقد شد. قرار بود اول ژانویه ۲۰۱۵ گاز به پاکستان ارسال شود. ما در اوج تحریم‌ها این قرارداد را منعقد کردیم. تحریم‌هایی مانند مجوز دفاع ملی سال مالی ۲۰۱۲ (از ژانویه ۲۰۱۲ اجرایی شد) یا تحریم امریکایی CISADA (سال ۲۰۱۰) و تحریم‌های اتحادیه اروپا (مهمترین آن ژوئیه ۲۰۱۲ اجرایی شد) وجود داشتند و پاکستان با اطلاع از تحریم‌ها با ایران قرارداد بست. یعنی با همه این بحران‌های تحریمی از اواخر سال ۲۰۱۲ و با علم به اینکه ایران تحریم است، اما برای ۳ سال بعد می‌خواهد از ایران گاز بگیرد، قرارداد take or pay را هم منعقد کرده است. اگر خط لوله را ما تا مرز می‌بریم، پاکستان را مجبور می‌کردیم در شرایط تحریم

۲ کار انجام دهد، یا مانند ترکیه و عراق برود مجوز معافیت تحریمی برای واردات گاز ایران را از آمریکا بگیرد یا گاز را نگیرد و جریمه‌اش را بپردازد. الان با این توصیفات تحریم‌ها مانعی برای ما بود یا مشکلی برای پاکستان که برای عدم پرداخت جریمه برود معافیت بگیرد؟

قصد ندارم به اینکه چرا در دولت قبل این خط لوله را تا مرز نبردند، بپردازم. نگاه ما به آینده است. بجز در مواردی که با آسیب شناسی گذشته، سناریوهای آینده را ترسیم می‌کنیم. لذا در مورد آسیب شناسی پاکستان وقتی صحبت می‌کنیم، این گزاره غلطی است که تحریم مانع صادرات گاز ایران به پاکستان شد. اگر ما قراردادی را که در اوج تحریم بسته شده بود، به درستی جلو می‌بریم، یا پولش را می‌گرفتیم یا جریمه‌اش را. همان کاری که ترک‌ها کردند. مگر در زمان تحریم ما گاز به ترکیه صادر نکردیم؟ یا در زمان تحریم گاز به عراق صادر نشد؟ حالا اگر استدلال می‌شد که ما ظرفیت صادرات نداشتیم که این بحث دیگری است اما وجود تحریم بهانه است.

چقدر بازار گاز برای ایران ظرفیت دارد؟ آیا معادل گازی که از روسیه به ایران صادر خواهد شد، بازار جدید خواهیم داشت؟

ظرفیت‌های تقاضای واردات گاز در محیط پیرامونی منطقه‌ای ما بیش از میزان گازی است که قرار است از روسیه وارد کنیم. باید گاز برای ورود به این بازارها داشته باشیم. اما مگر تولید گاز کشور چقدر است؟ اگر همه قراردادهای را بخواهیم اجرایی کنیم، چقدر باید تولید داخلی گاز ما افزایش پیدا کند؟ ما هنوز به خیلی از بازارها توجه نکرده‌ایم. الان افغانستان ۵ میلیارد مترمکعب در سال تقاضای گاز دارد. تاجیکستان از مسیر افغانستان ۵ الی ۱۰ میلیارد مترمکعب در سال تقاضای گازی دارد. قرار بود گاز مورد نیاز این کشور از لاین D خط لوله آسیای مرکزی که گاز را از ترکمنستان به چین می‌برد در این مسیر ۵ میلیارد مترمکعب به قرقیزستان، ۵ میلیارد مترمکعب به تاجیکستان و ۱۵ میلیارد مترمکعب به چین داده می‌شد اما به خاطر طولانی بودن مسیر، چین سرمایه‌گذاری را تعطیل کرد. همین ظرفیت تاجیکستان از مسیر افغانستان در سناریوهای مختلف وضعیت سیاسی افغانستان قابل‌اندیشه است. لذا ظرفیت در پیرامون ما بیش از گازی است که تولید می‌کنیم یا می‌خواهیم از روسیه بخریم.

همین حالا در بازار عراق ۲۰ میلیارد مترمکعب در سال قرارداد جاری داریم و اگر روزی بخواهیم عرضه گاز به منطقه مدیترانه داشته باشیم، این بازار وجود دارد. بازار عمان هم تقاضا دارد. عمان چرا تقاضا دارد، چون ۱۴/۵ میلیارد مترمکعب ظرفیت ال‌جی - مایع‌سازی گاز- دارد. از این میزان خودش در چشم‌انداز آینده فقط ۲ تا ۳ میلیارد متر مکعب می‌تواند تأمین کند و تولیدش آسیب دیده و کم می‌شود لذا نیاز به گاز دارد. سال گذشته از عمان ۶/۷ میلیارد مترمکعب صادر شد. یعنی با کمتر از نصف ظرفیت کار می‌کند و هر چه سال به سال بگذرد این ظرفیت کمتر می‌شود. عمان دارد به وضعیتی می‌رسد که حتی اگر مجوز OFAC (دفتر کنترل دارایی‌های خارجی) هم لازم باشد، برای واردات گاز ایران می‌گیرد.